

یادداشتی برای کارگاه آموزشی انتقال تجربه در مستند سازی



مهدی میرحسینی: زمانی که بچه مدرسه ای بودم، وقتی معلم ریاضی پای تخته می رفت من از همون شکل های محاسباتی پای تخته در می آوردم که خودم را به رویاهام برسانم، می رفتم به یک جهان دیگری دور از همه هیاهوهای اطرافم تا زمانی که زنگ مدرسه می خورد. دوباره انگاری از آسمان هفتم پرت می شدم به کلاس درس. به نظر من رویا تنها جهانی است. که هیچ مرزی ندارد و رویا پردازی راه رهایی از این جهان برای من است. سال هاست که با فیلم ساختن و نوشتن رویاهای خودم را می سازم و این لطف خدا بوده و هست. که توانسته ام در هر شرایطی فیلم بسازم. و تمام روزگار و جهانم را تصویر کنم. و با همه دوستانم این نگاه را در سالن های سینما و محافل هنری یا در رسانه های مجازی و غیر مجازی به اشتراک بگذارم. شاید ماموریت من در این جهان همین باشد. خدا خودش انسان های خوبش را سوژه های فیلم هایم قرار داده و راه رسیدن به آن را برایم هموار کرده. بارها گفته ام و اینجا هم می گویم برای جایزه گرفتن فیلم نمی سازم.



برای کمک به جامعه و انسان های اطرافم فیلم می سازم. از زمانی که یادم می یاد، دو چیز را همیشه دوست داشتم یکی سینما و دیگری سفر که به واسطه سینما به آرزوی دوم هم رسیدم و فستیوال های فیلم این امکان را به من دادند که بیشتر سفر کنم و جهان اطرافم را بهتر بشناسم. و با آن جهان بینی که به دست آوردم فیلم هایم را بسازم فرصتی خوبی که آن را خدا به من داد. و در این فرصت با بسیاری از اندیشمندان جهان در حوزه های مختلف به گفتگو بنشینم و درباره آنها فیلم بسازم و آنچه را که دیده ام و درک کرده ام را با دیگران به اشتراک بگذارم. و بر پرده سینما یا صفحه تلویزیون، این اندیشه را از جهان هستی به نمایش بگذارم خدا این فرصت را به من داد که بتوانم از طریق دوربین حرف هایم را به دیگران منتقل کنم و قلمی برای نوشتن به من سپرد که بتوانم خوب بنویسم و این نوشته هارو به یادگار برای نسل های بعد بگذارم چهار دهه زیستن و لذت بردن کم نعمتی نیست که همه آن را پرودگار هستی به من هدیه داد شهرهای دور و نزدیک را که بسیار دوست داشتم در آن قدم بزنم را مقصد سفرهایم کرد از قندهار در افغانستان تا پاریس در فرانسه، سمرقند در ازبکستان تا دبی در امارات، از قونیه در ترکیه تا ژنو در سوئیس همگی بخش مهمی از خاطرات خوب زندگی من شدند و بسیار لذت بردم و زیستم در کنار فرهنگ ها ، آیین ها ، گویش ها و حتی غذاهای مختلف در هزاران شهر کوچک و بزرگ و همین نگاه تبدیل به فیلم های مستند من شد با دوستان بسیار خوبی همسفر شدم و با یاری همگی آنها صدها دقیقه تصویر مستند از نگاه من در این جهان ثبت و ضبط شد. و ماند به یادگار، اگر همین امروز سوت پایان زندگی به صدا دربیاید باید بگویم من حتما تا همین جا هم برنده این بازی بوده ام. و خدا را سپاس از این همه نعمتی



که به فرزند خود داد.